



احسان محمدی

دیگر رسانه‌ها

هواداران ایرانی چه زمانی حق انتقاد از بازیکنان را دارند؟



معمولاً گفته می‌شود هوادارانی که در استادیوم یا خانه‌هایشان یک مسابقه فوتبال را دنبال می‌کنند بعد از شکست، بیشتر از بازیکنان رنج می‌کشند. برای همین بعد از سوت پایان بازی، بازیکنان به هم تبریک می‌گویند، لباس‌شان را با هم عوض می‌کنند و گاهی با بازیکنند به هم خسته نباشید می‌گویند در حالی که بسیاری از هواداران پیراز بغض و خشم‌اند و با قفسر استامینوفن می‌خوابند! متر و معیاری برای سنجش این ادعا نیست ولی شاید دلایل این باشد که بازیکنان و مربیان تمام تلاش‌شان را کرده‌اند و دیدند که نشده و شکست را پذیرفته‌اند و در نهایت نم اشکی ریخته‌اند و آماده شده‌اند برای مسابقه بعد. بعد از شکست پرسپولیس، مهدی عبدی گلزن ۲۳ ساله این تیم با خوشحالی کنار زمین گفت و گوی تلویزیون انجام داد و در حالی که یکی از مهم‌ترین جام‌های زندگی‌اش را از دست داده بود، بدون اینکه اشک بریزد خیلی عادی با ماجرا برخورد کرد.

فیلم خدا حافظی بشار رسن با بازیکنان این تیم در هتل محل، حای روی یک نکته بود، بازیکنان با او خدا حافظی می‌کردند و بازیکنند می‌زدند. حتی با غمی در پرس چهره. نزدیک به ۲۰ ساعت بعد از یک بازی تلخ، آنهایی که به سختی خوابیدند، صبح دیدند که باز آفتاب از شرق طلوع کرد و زندگی ادامه دارد، حتی با وجود جامی که به جای ایران به کره جنوبی رفت.

شمی که برزیل در خانه ۷-۱ به آلمان باخت یا بارسلونا گل ۸ زاین مونیخ خورد، بازیکنان تیم‌های بازنده چنان مغموم بودند که انگار جهان به آخر رسیده است اما بعد از اولین بازی و گل زنی چنان شادی کردند که انگار آنها نروند که باشک، ورزشگاه را ترک کرده بودند. این ذات فوتبال است. بعد از هیچ مسابقه‌ای نباید مُرد اما نکته‌ای که وجود دارد این است که هواداران چه زمانی حق دارند از بازیکنان انتقاد کنند؟

پرسپولیس، مغلوب دوضربه پانته‌ای شد که با ناشی‌گری بازیکنان خودی به دست حرفه افتاد. آیا هواداران حق دارند از احمد نوراللمی و مهدی شیری گله‌مند باشند که رؤیای میلیون‌ها نفر را بریاد دادند؟ مقصودم پر خاش و فحاشی نیست، همین که با صدای بلند بگویند از عملکرد آنها ناراضی هستند و انتظار داشتند به عنوان بازیکنانی که مهم‌ترین بازی‌های آسیا حاضر شده‌اند، حق ندارند این همه آماتور رفتار کنند.

در ایران روال این است که قبل از اعزام تیم نباید از بازیکنان انتقاد کرد چون «روحه‌اش خراب می‌شود»، در خلال مسابقات هم نباید انتقاد کرد چون «تمرکز آنها به هم می‌ریزد» و بعد از مسابقات هم نباید انتقاد کرد چون «چه فایده‌ای دارد و باید از بازیکن حمایت کرد تا عملکرد بهتری داشته باشد و جبران کند!»



میعاد نیک

وقتی خرج می‌کنی و استفاده نمی‌تزی

خاموشی ستاره دنباله‌دار

عدم موفقیت تیم‌های ایرانی طی سال‌های اخیر در مسابقات بین‌المللی و حرفه‌ای مانند لیگ قهرمانان آسیا یک تابع واضح و عیان از ناکار آمدی در استفاده از نیروهای انسانی در این کشور است. موفقیت‌های نسبی تیم‌های پرسپولیس، استقلال و تیم ملی ایران در مسابقات داخلی و خارجی در روزها و سال‌هایی به دست آمده که تورسین‌های کروات، آلمانی و برتغالی روی نیمکت‌شان نشسته‌اند و مسیر پیروزی را ترسیم کرده‌اند. بشار رسن هم یکی از همان معدود خارجی‌های خوبی است که فوتبال ایران را به میانبری برای رسیدن به روزهای دور و دراز خود تبدیل کرد، اما این فوتبال منتقل و مریض نتوانست یکی از الماس‌های خارجی خود را بیشتر حفظ کند و با استفاده بهتری از یک عراقی برود.

عراق همچون یک کشور عقب‌مانده که هیچ‌گونه زیرساخت مناسبی برای پرورش استعدادهای فوتبالی و ورزشی خود ندارد، کشورهایی مانند ترکیه، کویت، ایران، امارات، قطر و حتی اسرائیل را به‌عنوان مقصدی برای گسیل ستاره‌های فوتبالی انتخاب کرده تا در یک سیستم حرفه‌ای‌تر



سامان موحی‌راد

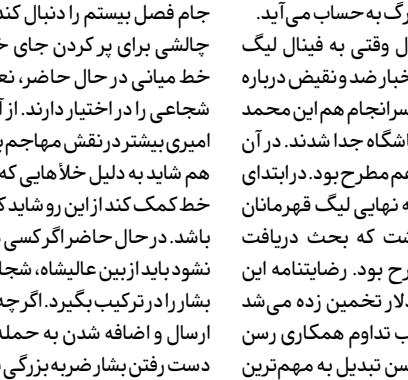
کرتر

آنها که می‌روند

ستاره‌های سربی

از دست دادن جام یا از دست دادن یک ستاره دیگر در پرسپولیس مهاره بود. بشار رسن که نزدیک به چهار سال در این تیم بازی کرده بود و البته پشیر گلفته بود بازی در فینال آخرین حضورش با پیراهن سرخ‌هاست با تیم به تهران بازگشت تا تیم جدیدش به زودی

دست دادن بشار شاید یکی دیگر از اتفاقات ناخوشایندی است که برای پرسپولیس در چند ماه اخیر رخ داده است چرا که بشار رسن در سال‌های حضورش در پرسپولیس توانسته بود نمایش کیشی و فنی بالایی از خود به جا بگذارد و بسیاری او را یکی از ستون‌های موفقیت پرسپولیس در سال‌های اخیر می‌دانستند. آن هم در فوتبالی که برای بازیکن خارجی با کیفیت کم در آن ظهور پیدا می‌کند و در این فصل هم به مدد قانون عجیب سازمان لیگ دیگر خبری از بازیکن خارجی نیست از دست دادن رسن یک ضربه بزرگ به حساب می‌آید. پرسپولیس در شهرور ماه امسال وقتی به فینال لیگ قهرمانان آسیا رسید با مجموعه‌ای از اخبار ضد و نقیض درباره از دست دادن ستاره‌هایش مواجه شد. سرانجام هم این محمد نادری و شجاع خلیل‌زاده بودند که از باشگاه جدا شدند. در آن زمان صحبت از دست دادن بشار رسن هم مطرح بود. در ابتدای فصل جدید و بعد از پایان مرحله نیمه نهایی لیگ قهرمانان آسیا، او در شرایطی به تهران بازگشت که بحث دریافت رضایتنامه‌اش برای رفتن به قطر مطرح بود. رضایتنامه این بازیکن در آن مقطع حدود ۵۰۰ هزار دلار تخمین زده می‌شد و اما مخالفت یحیی گل محمدی موجب تداوم همکاری رسن و پرسپولیس شد. به این ترتیب بشار رسن تبدیل به مهم‌ترین



دست رفتن بشار ضربه بزرگی باشد که جبراش سخت باشد.

ایران ورزش

روزنامه ورزشی صبح ایران ● صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی ● مدیرمسئول: علی‌عالی ● تلفن: ۰۲۱۱۳۰۴۱۱۳۳ ● شماره: ۸۸۵۰۲۱۱۳۳ ● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷۰۰۱۳۰۰-۸۸۵۰۲۱۱۳۳ ● انتشارات: ۵۷۲۴۸۸۲ و ۸۸۵۲۴۸۸۰۰ ● امور مشترکین: ۸۸۵۲۴۸۸۰۰ ● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰ / صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۵ ● چاپ: ایران‌یان

@iranvarzeshi

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

سه شنبه ۱۳۹۹ دی ۱۳ شماره ۶۶۵۶

www.INN.ir

info@inn.ir

عکس روز

تلاقی علم و ورزش در تونل باد



آنتونی آلیو، قهرمان فرانسوی موج سواری در آزمایش جالبی شرکت کرده است. او در آزمایشگاهی نزدیک به پاریس روی ردیاخته‌اش ایستاده و در تونل باد در حال مقاومت است. مسئولان این آزمایشگاه در حال حاضر دارند روی پدیده آیرودینامیک تحقیق می‌کنند و از قهرمان فرانسوی درخواست کرده‌اند تا توجه به انعطاف خوب بدنی‌اش در هنگام موج سواری که بعضی‌ها اعتقاد دارند بیشتر به باد سواری شبیه است، در آزمایش مذکور کمک کند. آلیو خود هم قصد دارد به زودی رکورد سرعت جهان در قایق‌رانی بادبانی با سرعت ۱۲۱ کیلومتر و صد متر در ساعت را بشکند. عکس را فرانک فیفه برای آژانس عکس گزیرر فرانسه گرفته است.

کاریکاتور



انتهاهم که تا همین هفته پیش صدر نشین لیگ برتر انگلیس بود حالا به رده پنجم سقوط کرده. آنها نخست به لیورپول باختند و این هفته هم اسپر لسترستی شدند که در انگلستان به آنها لقب رویاه داده‌اند. حالا کارگردان مورینیو در رده پنجم جدول هستند و منچستر تا توجّه به پیروزی‌های خوب اخیرش به رده سوم جدول آمده.



هومن جعفری

طنزیم

خانه نامن

وسط هاگیر و اگرداگر آبی و قرمز سر فینال آسیا، فقط جواهری خانه امن را کم داشتیم. از روز گذشته که تصاویر یک تورویست در پوشش لباس هواداران استقلال در سربال خانه امن منتشر شد تا همین الان، ملت در فضای مجازی مشغول خوردن همدیگر هستند. اوش پرسپولیس‌ها دست گرفتند که تصویر واقعی هواداران استقلال را باید اینطور دید. بعد استقلالی‌ها دست گرفتند که این کار توهین به ماست. کار به جای رسید که کارگردان ناچار شد صحنه‌هایی از قسمت بعدی را هم منتشر کند که یک تورویست دیگر در پوشش هواداران پرسپولیس مشغول بررسی ورزشگاه بود.

از فردا بحث کارشناسی بین پیج‌های هوادارای اینطوری پیش می‌رود: پیج‌های استقلالی: دقت کردیم تورویست استقلالی را پنجاه و دو تاییه نشان دادید اما تورویست پرسپولیس را چهل و هشت تاییه، دقیقاً منظورشان چه بود؟ پیج‌های پرسپولیس: چرا وقتی تورویست استقلالی وارد جایگاه آنها شد، جایگاهشان شلوغ بود ولی جایگاه ما خالی بود؟ منظورشان این است که ما کمتر طرفدار داریم؟ محال ممکن است!

پیج‌های استقلالی: چرا تورویست استقلال از بین جایگاه‌های ۱۸ و ۱۹ وارد شد که ناصرخان را آنجا شوق می‌کنیم؟ نکند تیم امیر قلعه‌نویی این سربال را ساخته‌اند؟ نکند که فکر کرده‌ایم ما حواس‌مان نیست چه کسانی به ناصرخان در زمان حضورش خیانت کردند و طرح پیست و هفت ساله‌ها را رانه انداخته‌اند تا او را از تیم ملی خط بزنند و بعد هم باعث مهاجرت فرزندان به ترکیه شدند؟ پیج‌های پرسپولیس: هدفشان از اینکه تورویست نامرد پرچمی را دور گردنش آویخته بود که ما با آن وارد مرحله یک همت نهایی آسیا شدیم چه بود؟ نکند آشفید افشارت آسیایی ما را مسخره می‌کرد؟ از الان گفته باشیم نایب قهرمانی در این لیگ از صدها تورویست در مسابقات چارچاپیه بیشتر اعتبار دارد.... و این داستان تا بازی دبی ادامه دارد.

سوزه

مازیار گیلکان

درآمدهای تاجیز در فوتبال پرهزینه

داستان تکراری از دست دادن ستاره‌ها

ممنوعیت استخدام بازیکن خارجی در لیگ برتر باعث شده که اهمیت تک‌ستاره‌های خارجی تیم‌ها بیش از همیشه باشد، چه بشار رسن در پرسپولیس، چه دیاباته و ملیج در استقلال یا هر بازیکن خارجی به جا مانده دیگری در لیگ برتر. جدایی بشار رسن در این شرایط که پرسپولیس فرصت جذب بازیکن خارجی را ندارد، می‌تواند در درسی بزرگ برای قرمزها باشد، اما فارغ از این ممنوعیت در فوتبال ایران نیز جدایی بشار رسن برای پرسپولیس گران تمام می‌شد. اما مهم‌تر این نکته است که چرا باشگاه‌های ایرانی درآمدهای بزرگی از فروش ستاره‌های خود به دست نمی‌آورند و جرابه درآمدهای حداقلی قانع هستند؟ چرا قراردادها حافظ منافع باشگاه‌ها نیست و چرا بازیکنان به آسانی جدای می‌شوند؟

برای پرسپولیس جدایی بشار رسن تازگی ندارد. در همین چند فصل موفق پرسپولیس، بسیاری از ستاره‌های نیم‌رفتنند و جدایی آنها برای موفق‌ترین تیم دهه اخیر فوتبال ایران درآمد چندانی نداشت. پرسپولیس بازیکنان دیگری را نیز از ارزان دست داد و این می‌تواند مساله مهم‌تری باشد، اینکه چرا به رغم گراف شدن هزینه‌های باشگاه‌داری و پرداخت مبالغ هنگفت به بازیکنان، باشگاه‌ها هنگام فروش بازیکن درآمدهای بزرگی به دست نمی‌آورند؟ یحیی گل محمدی حق دارد ادامه مسیر بدون بشار رسن را برای تیمش سخت بداند. او متکی به این ستاره بود و رسن بخش مهمی از ایده پرسپولیس در بازی را می‌ساخت یا اجرای می‌کرد.

پرسپولیس بدون رسن بخش زیادی از زیبایی بازی‌اش را از دست می‌دهد و مهم‌تر اینکه در اجرای ایده‌ها بازیکنی نخواهد داشت که قدرت فکری لازم را داشته باشد. پیدا کردن جانشین برای بشار رسن در فوتبال ایران کار آسانی نیست و پرسپولیس به سختی می‌تواند این مشکل را حل کند. گل محمدی حق دارد منتقد مدیران باشگاه باشد که چرا آسان بشار رسن را از دست داده‌اند. این قراردادهایی که اجازه جدایی آسان را به بازیکنان می‌دهد، محصول خطاهای مدیریت است و می‌تواند برای باشگاه‌ها آسیب‌های مالی

بیشمار داشته باشد اما انگار چندان مهم نیست که باشگاه دچار چه خسارت‌هایی می‌شود. کاش پرسپولیس حتی اگر ستاره می‌فروشد، درآمدهای هنگفت به دست آورد، نه آنکه فقط خود را تضعیف کند.

بشار با تعصب رفت و پادشاه تا ابد در درخشان‌ترین گوشه تالار افتخارات پرسپولیس تائون باقی خواهد ماند. اما این پرسپولیس است که مانده، تیمی که از شکست شنبه عصرش آموخت برای کامل پیمودن راه قهرمانی در آسیا، باید اسکوادش را با ستاره‌های درجه یک عمیق کند.



و نشان کاپیتانی پرسپولیس را روی بازویشان می‌دیدیم.

جدایی بشار طعنه‌آمیز است؛ نه برای پرسپولیس، بلکه برای فوتبال ایران. چه بر سر ما آمده که تیمی با چهار قهرمانی متوالی در لیگ،

دلمان برای بشار خیلی زود تنگ می‌شود؛ ولی باید با واقعیت تلخ پیش رویمان کنار بیاییم و به فکر ساختن و خریدن بشارهای بعدی باشیم تا با صلابت‌تر از گذشته پرچم پرسپولیس را در فوتبال ایران و آسیا افراشته نگاه داریم.

آق‌قدر استطاعت مالی ندارد که از بین بیرانوند، ترابی، علیپور، شجاع و بشار که پنج ستون موفقیتش بودند، یکی را از دست بدهد. حتی یکی را برای تمام خلاق یا قدرت دربیلیگ و فیزیک بدنی مثال‌زدنی، که بیش از قابلیت‌های فنی فوق‌العاده‌اش، با مناش و تعصبش قلب پرسپولیس‌ها را تسخیر کرد. برخلاف مدافعان پیشینش، حضور در لیگ نیمه‌آماتور عراق مانع دستیابی زود هنگامش به یک شخصیت پخته و حرفه‌ای نشد. در لیگی که داخلی‌هایش به سختی دو سال در یک باشگاه بند می‌شوند، بشار سه و نیم فصل در جمع سرخ‌پوشان با نبود دلار و سوءمدیریت‌ها ساخت و با روی پیشنهادات و سوسه‌کننده‌هاش گذشت. عجیب نبود اگر می‌ماند

زاد، که رسانه‌ای نگذرد. گویا فقط در صورتی که

بشار را بی‌شک یکی از جنتل‌ترین‌ها در دیرگه‌یک نیمکت نشین صرف در این تیم تبدیل شده تا این تیم سیمای کاملاً داخلی به خود بگیرد و برای رقابت با دیگر مدعیان

جام فصل بیستم را دنبال کند. رفتن رسن پرسپولیس را هم جالبی برای پر کردن جای خالی‌اش می‌کند. آنها در خط میانی در حال حاضر، نعمتی، عالیشاه، امیری، پهلوان و شجاعی را در اختیار دارند. از آنجایی که تیم مهاجم هم ندارد امیری بیشتر در نقش مهاجم به تیم کمک خواهد کرد و نعمتی هم شاید به دلیل خلاهایی که در خط دفاعی وجود دارد به خط کمک کند اما از این رو شاید کاربرای پر کردن جای بشار سخت باشد. در حال حاضر اگر کسی در پرسپولیس مصدوم یا محروم نشود پتانسیل برای رفتن به قطر مطرح بود. رضایتنامه این بشار در آن ترکیب بگیرد. اگر چه با توجه به کیفیت‌های تاکتیکی، ارسال و اضافه شدن به حمله و کمک به فاز هجومی شاید از دست رفتن بشار ضربه بزرگی باشد که جبراش سخت باشد.

بشار با تعصب رفت و پادشاه تا ابد در درخشان‌ترین گوشه تالار افتخارات پرسپولیس تائون باقی خواهد ماند. اما این پرسپولیس است که مانده، تیمی که از شکست شنبه عصرش آموخت برای کامل پیمودن راه قهرمانی در آسیا، باید اسکوادش را با ستاره‌های درجه یک عمیق کند.